



A Critique of the Impact of the Utilitarian Interpretation of the Concept of Right on Human Rights

Umal-Banin Mohammadinejad¹, Mohammad Sadeq Ahmadi^{2*}, Mohammad Sharif Shahi³

1. Department of Public Law, Faculty of Islamic Governance, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Department of Public and International Law, Faculty of Islamic Governance, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3. Department of Public and International Law, Faculty of Islamic Governance, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 75-94

Article history:

Received: 22 Jun 2025

Edition: 16 Jul 2025

Accepted: 21 Aug 2025

Published online: 23 Sep 2025

Keywords:

Human rights; utilitarianism; concept of right; natural rights; conflict of rights.

Corresponding Author:

Mohammad Sadeq Ahmadi

Address:

Iran, Isfahan, Islamic Azad University, Isfahan Branch, Faculty of Islamic Governance, Department of Public and International Law.

Orchid Code:

[0000-0001-6187-5212](https://orcid.org/0000-0001-6187-5212)

Email:

sms_ahmadi@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: In the 18th century value-based framework, where the concept of right was considered an abstract concept and respect for individual rights and freedoms was a priority, the utilitarian theory was proposed by welcoming the method of empirical observation in legal analysis and strongly opposed the concept of natural right. In this regard, the aim of the present study is to explain a critical approach to the impact of the utilitarian interpretation of the concept of right on human rights.

Materials and Method: This research is theoretical and has been compiled using a descriptive-analytical method.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: Utilitarianism considers a realistic dimension to rights and considers rights to be a guarantee of the benefit of the holder, which is expressed, protected, and guaranteed by law. Also, the benefit considered by utilitarianism is a collective benefit; as a result, it considers the priority of rights that have a social function.

Conclusion: To resolve the conflict between individual rights and freedoms on the one hand and public interests or public morality on the other, given the need to establish a balance between individual rights and collective interests, as well as public morality, the solution or idea of balance must be applied. Regarding the conflict in the simultaneous implementation of individual rights and freedoms, all the proposed solutions are relative. Therefore, the most important criterion in resolving conflicts is to pay attention to the circumstances of each case and not consider any of the solutions as a definitive and permanent answer.

Cite this article as:

A Critique of the Impact of the Utilitarian Interpretation of the Concept of Right on Human Rights. Jurisprudential Research on Human Rights. 2025.



دوره دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

نقدی بر تأثیر تفسیر سودمندگرا از مفهوم «حق» بر حقوق بشر

ام‌البین محمدی نژاد^۱، سید محمدصادق احمدی^{۲*}، محمد شریف شاهی^۳

۱. گروه حقوق عمومی، دانشکده حکمرانی اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
۲. گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حکمرانی اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
۳. گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حکمرانی اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در چارچوب ارزش‌گرایی قرن هجدهم میلادی که مفهوم حق به عنوان مفهومی انتزاعی مورد توجه بود و احترام به حقوق و آزادی‌های فردی در اولویت قرار داشت. نظریه سودمندگرایی با استقبال از روش مشاهده تجربی در تحلیل‌های حقوقی مطرح شد و به شدت با مفهوم حق طبیعی به مخالفت برخاست. در همین راستا هدف از پژوهش حاضر تبیین رویکرد انتقادی بر تأثیر تفسیر سودمندگرا از مفهوم حق بر حقوق بشر می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری و با روش توصیفی-تحلیلی گردآوری شده است.

یافته‌ها: سودمندگرایی قائل به بعدی واقع‌گرایانه برای حق می‌باشد و حق را تضمین منفعت دارنده آن می‌داند که توسط قانون بیان، حمایت و تضمین می‌شود. همچنین منفعت مدنظر سودمندگرایی منفعتی جمعی است؛ در نتیجه، قائل به اولویت حق-هایی که کارکردی اجتماعی دارند، می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه: برای حل تزاخم بین حقوق و آزادی‌های فردی از یکسو و منافع عمومی و یا اخلاق عمومی از سوی دیگر با توجه به لزوم برقراری توازن میان حقوق فردی و منافع جمعی، همچنین اخلاق عمومی باید راهکار یا ایده‌ی تعادل را اعمال نمود. در خصوص تزاخم در اجرای همزمان حقوق و آزادی‌های فردی همه راه‌حل‌های مطروحه نسبی می‌باشد. لذا مهمترین معیار در رفع تزاخمت، این است که به اوضاع و احوال هر پرونده توجه نمود و هیچ‌یک از راه‌حل‌ها را پاسخ قطعی و دائمی ندانست.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۵-۹۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق بشر؛ سودمندگرایی؛ مفهوم حق؛ حقوق طبیعی؛ تزاخم حقوق.

نویسنده مسئول:

سید محمدصادق احمدی

آدرس پستی:

ایران، اصفهان، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده حکمرانی اسلامی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل.

کد ارکید:

0000-0001-6187-5212

پست الکترونیک:

sms_ahmadi@iau.ac.ir

۱. مقدمه

شاید اولین چالشی که در علم حقوق و فلسفه ی حقوق ذهن انسان را درگیر می‌کند و تمامی مباحث و چالش‌های بشری پیرامون آن مطرح می‌شود، مفهوم حق باشد. اساساً حق چیست و چه ماهیت و منشأیی می‌توان برای آن قائل شد؟ در پاسخ به این پرسش، نظریات و رویکردهای مختلفی در فلسفه حقوق مطرح شده است که از مهم‌ترین آنها، نظریه حقوق طبیعی و نظریه سودمندگرایی است (جاویدی، ۱۳۹۴، ۱۱۶). نظریه حقوق طبیعی و اندیشه‌های منتج از آن (چه سنتی و چه مدرن) از دوران باستان و مراحل اولیه ی توسعه اجتماعی تا قرن نوزدهم میلادی نقشی حیاتی و بی‌بدیل برای حق در نظام حقوقی در نظر گرفته اند. طبق نظریه حقوق طبیعی مدرن حق به عنوان مفهومی متافیزیکی و ذهنی در نظام حقوقی پذیرفته شده است (توسلی و همکاران، ۱۳۹۰، ۵۸) و همین موضوع، ارزش‌گرایی و آرمان‌خواهی بشر در آن زمان را نشان می‌دهد (چینهنگو، ۱۳۹۴، ۴۳-۴۲). توجه انحصاری این نظریه به فرد (حامل مفهوم حق) و آزادی وی منجر به پذیرش این نکته گردید که طبق این نظریه جان، مال و آزادی افراد و به عبارتی، احترام به حق حیات، مالکیت و آزادی آدمیان (حقوق مدنی و سیاسی ایشان) برجسته شود (بودش، ۱۳۹۰، ۲۲). به این ترتیب، برداشت لیبرال و متافیزیکی حقوق طبیعی مدرن منجر به موارد ذیل گردید؛ محدودیت قلمرو حق (عدم شمول برخی حق‌های بشری نسل دوم و حقوق بشر نسل سوم-حقوق جمعی) و عدم تحقق عدالت عرفی که ریشه در وجدان اجتماعی دارد (شهابی و نیکویی، ۱۳۹۱، ۱۲۷، ۱۰۵). در قرن هجدهم میلادی همزمان با افول نظریه حقوق طبیعی

مدرن، بنام به عنوان یک پوزیتیویست دولتی با حمله به حقوق طبیعی و متافیزیکی و انکار حق طبیعی، نظریه سودمندگرایی را به عنوان یک نظریه مستقل و مدون مطرح نمود (Callahan and Singer, 2012, 452). بنام مفهوم حق (در اندیشه حقوق طبیعی مدرن) را به عنوان یک مفهوم انتزاعی و متافیزیکی، موهوم و خیالی دانسته و معتقد است که با پذیرش مفهوم حق طبیعی و قانون طبیعی، هیچ دولت و نظام حقوقی مصون از تخطی و تجاوز نخواهد بود. وی وجود حق را نشأت گرفته از وجود قانون می‌داند که قانون نیز به عنوان واقعیتی اجتماعی توسط دولت وضع می‌گردد. توجه ویژه این نظریه به واقعیت، چالشی جدی میان متافیزیک و واقعیت ایجاد نموده است (شهابی، ۱۳۸۹، ۵۱-۴۴). بنام حق را بر اساس سود و منفعت تبیین و نظام حقوقی را در پرتو منفعت عمومی و مصلحت ارزیابی نموده و به این ترتیب اصل سود را به عنوان معیاری برای تشخیص صحت یا عدم صحت قواعد حقوقی معرفی می‌کند (توسلی و همکاران، ۱۳۹۰، ۷۹-۷۸). سودمندگرایی با تکیه بر اصل (بیشترین سود برای بیشترین افراد) معتقد است، افراد باید به گونه ای عمل کنند که بیشترین حد بهزیستی و رفاه برای بیشترین افراد جامعه به وجود آید. همچنین سودمندگرایی بیان می‌نماید؛ قانونی که قرار است، ایجاد شود و بر جوامع بشری حاکم بوده و دوام داشته باشد باید منطبق با الزامات رفاه عمومی باشد (چینهنگو، ۱۳۹۴، ۵۷). به همین دلیل؛ سودمندگرایی در معرض ایرادات بسیاری از جمله نقض فردگرایی و جهان‌شمولی حقوق بشر که مبتنی بر متافیزیکی بودن مفهوم حق و ذهنیت‌گرایی حاکم

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که با توجه به انتقاد سودمندگرایان از مفهوم حق طبیعی و بعد متافیزیکی آن می‌توان گفت؛ سودمندگرایی قائل به بعدی واقع‌گرایانه برای حق می‌باشد و حق را تضمین منفعت دارنده آن می‌داند که توسط قانون بیان، حمایت و تضمین می‌شود. همچنین منفعت مدنظر سودمندگرایی منفعتی جمعی است؛ در نتیجه، قائل به اولویت حق‌هایی که کارکردی اجتماعی دارند، می‌باشد.

۵. بحث

در ابتدا تفسیر سودمندگرا از مفهوم حق تبیین خواهد شد.

۵-۱. تفسیر سودمندگرا از مفهوم حق

به منظور ارائه تفسیر سودمندگرا از مفهوم حق، ابتدا به بررسی نقش متافیزیک یا واقعیت در این نظریه و تحلیل مفهوم، ماهیت و کارکرد حق از دیدگاه سودمندگرایان و سپس به بررسی ایرادات وارد بر آن پرداخته خواهد شد.

۵-۱-۱. مفهوم، ماهیت و کارکرد حق

بنتام به عنوان یک واقع‌گرا اندیشه حقوق طبیعی (مدرن) را منکر می‌شود (شهابی، ۱۳۸۹، ۵۵-۵۰) وی حق و قانون طبیعی را الفاظی پوچ، بی‌معنا، خرافی و حتی زیان‌آور می‌داند (Bentham, 1879, 53) که منطبق با عقلانیت تجربی سود

در نظریه حقوق طبیعی مدرن است، قرار می‌گیرد. پرسش اصلی این است که، تفسیر سودمندگرا از مفهوم حق چه تأثیری بر حقوق بشر دارد؟ به نظر می‌رسد که نظریه سودمندگرایی با حذف حق به عنوان ارزش و موهوم دانستن حق در مفهوم متافیزیکی، ارائه تحلیلی نوعی از مفهوم حق و اتخاذ رویکردی توزیعی و تجمیعی در رابطه با رفاه، تأکید بر حق‌هایی با ماهیت جمع‌گرایانه دارد. آیا این رویکرد منجر به وقوع تراحم در اجرای حق‌های بشری نمی‌گردد؟ در صورت وقوع تراحم چه راهکارهایی را باید اعمال نمود؟ به منظور ارائه پاسخی تحلیلی به پرسش‌های فوق، این پژوهش بر آن است که با رویکردی توصیفی و تحلیلی با بررسی بعد متافیزیکی یا واقعی نظریه سودمندگرایی به تحلیل مفهوم و کارکرد حق از دید سودمندگرایان بپردازد و از طریق بررسی ایراداتی که به سودمندگرایی و مخالفت این نظریه با حقوق بشر لیبرال مطرح شده است، با برداشتی کلی از مفهوم حق به تأثیرات این تفسیر از مفهوم حق بر حقوق بشر پرداخته و امکان وقوع تراحم در اجرای حق‌های بشری را به عنوان یکی از مهم‌ترین تأثیرات بررسی نموده و راهکارهای رفع این تراحم را نیز تبیین نماید.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

دولت و قرار دادن ضمانت اجرا برای آن از سوی دولت می‌باشد.

ب. با توجه به تعریف حق اکتسابی (حقی که براساس قوانین موضوعه برای افراد جامعه ایجاد می‌شود و موجودیت آن به جامعه و قوانین مصوب آن وابسته می‌باشد) (سلیمی نوه، ۱۳۸۴-۱۳۸۳، ۲۰۰) همچنین با در نظر گرفتن ویژگی‌های حق در نظریه سودمندگرایی می‌توان نتیجه گرفت؛ حق طبق این نظریه اکتسابی است.

ج. با توجه به اینکه سودمندگرایان حقوق را چیزی جز یک نظام قانونی وابسته به یک جامعه معین نمی‌دانند (قربان نیا، ۱۳۸۳، ۳۸)، پس حق‌های منظور آنها، برخلاف حق‌های اخلاقی، فراگیر نبوده و فقط افراد مناطقی را شامل می‌شود که قانون خاص ایجاد کننده حق در آنجا وضع شده است (طالبی و طالبی، ۱۳۹۳، ۱۹).

د. طبق نظر سودمندگرایان؛ مفهوم حق یک پدیده ضد اجتماعی نیست، بلکه محصول جنبه اجتماعی زندگی انسان هست؛ اینکه بستری اجتماعی و کارکردگرایانه برای حق قائل شویم، آن را از این موضوع که صرفاً مفهومی ارزشی، متافیزیکی و ثابت باشد و کارکرد ایدئولوژیکی محض داشته باشد، دور می‌سازد (شهابی، ۱۳۸۹، ۵۸).

ه. نظر به اینکه طبق اندیشه سودمندگرایی؛ حقها (منافع تضمین شده) توسط قوانین، ایجاد و تضمین می‌شوند و قوانین نیز به عنوان واقعیتی اجتماعی توسط دولت وضع می‌گردند. پس دولت به عنوان ابزاری برای کارکردی کردن حقها و به عنوان مداخله کننده‌ای که مستقیماً در توسعه حق‌ها نقش دارد،

محور نیستند. طبق نظر بنتام اگر قانون طبیعی می‌توانست همه مردم را به سوی منفعت عمومی رهنمون گردد، دیگر نیازی به قانون دولتی نبود و این نکته که ایجاد قانون دولتی ضرورت دارد، خود دلیلی بر عدم وجود قانون طبیعی است. از دید بنتام؛ انسان اختیاراتی دارد که قانونگذار برای تضمین این اختیارات اصطلاح «حق» را وضع نموده است. عبارتی «حق» تضمین کننده اختیار می‌باشد و در مقابل حق، تعهد که یک واقعیت کاملاً تجربی است، وجود دارد. بنتام (حق) و (تعهد) را نشأت گرفته از قانون می‌داند، وی معتقد است؛ هیچ فردی ذاتاً دارای حقوق و تکالیف نیست، بلکه قانون است که انسان‌ها را دارای حق و تکلیف می‌کند (جاویدی، ۱۳۹۴، ۱۲۰)؛ قانونی که به عنوان ابزاری دولتی، دربرگیرنده دغدغه‌های اجتماعی و واقع گرایانه است (شهابی و نیکویی، ۱۳۹۱، ۱۲۷)، می‌توان گفت؛ سودمندگرایان و اثبات گرایانی چون بنتام میان حقوق و قدرت سیاسی دولت، پیوندی ناگسستنی ایجاد نمودند. به زعم آنان، هر قاعده حقوق موضوعه معتبر است، هرچند ناعادلانه و مغایر موازین اخلاقی باشد و هر آنچه را که به عنوان بخشی از حقوق موضوعه تلقی نشود رد می‌نمایند و حقوق را در معنای محدود و مضیق خود مدنظر قرار می‌دهند. می‌توان نکات ذیل را در خصوص حق مدنظر سودمندگرایان بیان نمود،

الف. حق منظور سودمندگرایان نتیجه قوانین موضوعه ای است که ضمانت اجرای بیرونی داشته باشند، به عبارتی حق‌ها با ضمانت اجراهایی حمایت می‌شوند و رفتار عمومی را تنظیم می‌نمایند (طالبی و طالبی، ۱۳۹۳، ۱۹)؛ پس ملاک حق وضع آن توسط

دیگران را وقتی که برای به حداکثر رساندن سود و منفعت لازم است، نقض کنیم و مرتکب بی عدالتی، ظلم و تعدی شویم (رحمانی، ۱۳۹۰، ۲۱۲). ایراد اینجاست که براساس ملاحظات مرتبط با سودمندگرایی، نقض حقوق فردی از جمله؛ حق حیات، حق آزادی و حق برخورداری از محاکمه عادلانه و ... در صورت حصول شرایط بهتری از رفاه و بهزیستی و یا منفعت مجاز است (Callahan and Singer, 2012, 452). در پاسخ گفته شده است که؛ این ایراد براساس این دیدگاه است که سودمندگرایی را یک نظریه صرفاً تجمیعی که به اجرای مؤثر عناصر شادی یعنی لذت و عدم وجود درد مربوط می‌شود، می‌داند. در صورتی که؛ اصل سودمندی جرمی بنام به گونه متفاوتی تدوین شده است، لیکن بطور گسترده در فلسفه سیاسی و اخلاقی معاصر سوءبرداشت شده است (Rosen, 1998, 130).

اگر افراد منافع خود را تحت لوای ادعاهای حقوق پیش ببرند آنگاه فضا نه برای توجیه و مصالحه عمومی بلکه برای تعارض و منازعه باز می‌شود (Rosen, 1998, 260). به نظر می‌رسد اگرچه نمی‌توان با این اطلاق از نقض حقوق فردی در جهت تحقق رفاه و سودمندی عمومی دفاع نمود، اما جای بسی تأمل در دفاعیات طرفداران سودمندگرایی وجود دارد. همچنین با توجه به تأکید سودمندگرایی بر دولتی بودن قانون موجد حق، این موضوع که سودمندگرایی به دنبال ارائه ی معیاری عینی و واقعی در جهت سازگاری حقوق است، مورد پذیرش می‌باشد.

اهمیت پیدا کرده و مطرح می‌شود. (شهابی، ۱۳۸۹، ۲۷۴-۲۵۹).

و، طبق نظر سودمندگرایان؛ وجود سود و منفعت و تضمین آن توسط نظام حقوقی است که رابطه حق و تکلیف را بین صاحب حق و متعهد به دنبال دارد (شفیعی سردشت، ۱۳۹۳، ۲۴۰-۲۲۹). به همین خاطر برخی از جمله وینار معتقدند؛ حق‌ها آن مجموعه از مفاهیم هوفلدی اند که تنها یک کارکرد خاص (یعنی تضمین منفعت صاحب حق) دارند (Wenar, 2005, 240).

ز، فرد سودمندگرا به دنبال بهترین نتایج است و در راه رسیدن به این هدف (بهترین نتایج و پیامدها) حق و چه بسا تکلیف دارد که از هر وسیله‌ای استفاده کند، سودمندگراها این نگاه ابزاری را به مقوله ی عدالت و حقوق هم دارند (حسینی سورکی، ۱۳۹۰، ۱۱۲-۱۱۱).

۵-۱-۲. ایرادات نظریه سودمندگرایی

با توجه به نگاه کلی نگارنده به سودمندگرایی سعی در تحلیل ایرادات وارد به سودمندگرایی به طور کلی داریم. ایرادات وارد را می‌توان به ترتیب اهمیت و به شرح ذیل تبیین نمود.

۵-۱-۲-۱. قربانی کردن شادی و حق فرد به منظور افزایش شادی و حقوق جمع

این ایراد مهم‌ترین ایراد وارد بر نظریه سودمندگرایی است که حکایت از یگانه تازی واقعیت و نه تعامل متافیزیک و واقعیت در این اندیشه دارد و توسط طرفداران نظریه حقوق طبیعی مطرح می‌شود. مبنی بر اینکه سودمندگرایی به ما اجازه می‌دهد که حقوق

۵-۲-۱-۲. نادیده گرفتن تمایز میان اشخاص

ایراد دوم عبارت از این است که در نظریه سودمندگرایی تمایز بین اشخاص نادیده گرفته می‌شود (Hart, 1983, 316). جان مکی این ایراد را اینگونه مطرح می‌کند که، سودمندگرایی به طور مناسب و کافی افراد را به عنوان واحدهای اخلاقی جداگانه از هم تمییز نمی‌دهد (Frey, 1986, 247). بعبارت دیگر، سودمندگرایی در تقاضای خود از دولت‌ها برای بیشینه‌سازی شادی شهروندان یک ساختار اجتماعی، جدایی و تمایز انسان‌ها را به رسمیت نشناخته است. گرچه این ایراد به نادیده گرفتن جدایی انسان‌ها را می‌توان نسخه‌ای از این اصل کانت دانست که انسان‌ها به نوبه‌ی خود یک غایت هستند، با این حال این یک نقد مدرن بر سودمندگرایی است، که در انگلستان برنارد ویلیامز و در آمریکا جان رالز از مطرح کنندگان برجسته این نقد هستند. این ادعای جان رالز که سودمندگرایی تمایز بین انسان‌ها را جدی نمی‌گیرد نقش بسیار مهمی در کتاب نظریه عدالت او دارد. به نظر می‌رسد بر خلاف نظر منتقدین الزاماً این سؤال که قرار است چه کسی در مورد سودمندی از دید کل تصمیم بگیرد، سودمندگرایی را به سمت شهودگرایی سوق نمی‌دهد چرا که این فاعل منطقی و آگاه می‌تواند یک فاعل تجربی ایده آل، انسان خردمند، فیلسوف، شهروند روشنفکر، دانشمند، قاضی، پادشاه و ... باشد که هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی امری قابل تصور است. شاید به همین دلیل است که بنام بر دولتی بودن قانونگذار و نظریه فرمان تأکید دارد تا از فاعل تجربی، به فیلسوف آرمان‌گرای افلاطونی عبور نکند.

۵-۲-۱-۳. نادیده گرفتن اصل برابری در برخورداری از حق

ایراد مهم دیگر توسط رونالد دورکین استاد فقید فلسفه حقوق دانشگاه آکسفورد مطرح شده است، مبنی بر اینکه؛ چون در نظریه سودمندگرایی امکان قربانی کردن منافع فرد بخاطر منافع عموم وجود دارد- یعنی اکثریت بر فرد مقدم می‌شوند- پس امکان برخورد با احترام و توجه برابر بین شهروندان در این نظریه وجود ندارد (Hart, 1983, 316). طبق نظریه‌ای که این منتقد در مورد حق‌ها ارائه داده است، بر خلاف اندیشه سودمندگرایی دولت حق ندارد برابری بین افراد را نادیده بگیرد و یا شرایطی را بر شهروندان خود تحمیل کند که با ارزش برابری در تضاد باشد یا منجر به چشم پوشی از این ارزش- برابری- بشود. این نظریه حق مبتنی بر نوعی لیبرالیسم می‌باشد (وکس، ۱۳۸۹، ۶۹).

۵-۲-۱-۴. ابهام در رویکرد «همگانی» سودمندگرایی

ایراد دیگر این است که، سودمندگرایی معتقد به بیشینه کردن شادی و منفعت برای همه می‌باشد اما دقیقاً به ما نمی‌گوید که منظور از واژه همه چیست؟ (Caille, 1992, 64) لازم است که شادی همه اعضای یک خانواده یا چند خانواده، یک روستا، چند روستا، یک استان، یک ملت، یک قاره یا کل جهان را بیشینه کنیم؟ چرا شادی حیوانات، گیاهان و در نهایت کل کائنات نه؟ امروزه سودمندگراها مباحثی چون حقوق حیوانات، گیاهان و نباتات و ... را مطرح کرده اند، بعبارتی در این نظریه بیشینه کردن شادی تمام موجودات - حتی موجودات غیرانسانی - اهمیت

حمایت کند نه اینکه فقط حامی منافی باشد که شخص آنها را منافع خود می‌پندارد، چرا که افراد ممکن است حقوق فردی را مجوزی برای رفتارهای خودخواهانه و خود محور خود تلقی کرده و آنها را برای مخالفت با هرگونه درخواست از خودگذشتگی فردی و همکاری اجتماعی در موارد مختلف از جمله؛ توسعه اقتصادی و اجتماعی به عنوان توجیه و دلیل به کار ببرند (والدرون، ۱۳۸۱، ۱۶۶، ۱۵۴).

ج، سودمندگرایی حقوق را به نفع همه اعضای جامعه می‌پذیرد-حقوقی که تأمین کننده منافع جمعی باشند- (شهابی، ۱۳۹۰، ۲۷۲)، لذا در سلسله مراتب بین حق‌های بشری از منظر اندیشه سودمندگرایی؛ حق‌ها و منافع جمع گرایانه همچون مصادیق گفته شده در صدر قرار می‌گیرند تا آنجا که تأمین منفعت عمومی می‌تواند توجیهی شود برای نقض حقوق و آزادی‌های فردی. لیکن طبق نظریه حقوق طبیعی (مدرن)، حقوق و آزادی‌های فردی در صدر سلسله مراتب بین حق‌های بشری قرار می‌گیرند، در نتیجه؛ وقوع تراحم در اجرای آنها امری محتمل می‌باشد که در صحنه داخلی و بین‌المللی نیز به کرات چنین تراحم‌هایی بحث و جدل‌هایی را به وجود آورده است. به عبارتی احتمال جدال میان فردگرایی و جمع‌گرایی موجود در عمق دیدگاه‌های گفته شده وجود دارد و امروزه اندیشمندان همواره در تلاش هستند، راهی را مطرح نمایند که از طریق آن بتوان به بهترین وجه، حقوق فردی و منفعت عمومی را در کنار هم و بدون انکار یکی از آنها تضمین کرد (بیات کمیتکی و بالوی، ۱۳۹۳، ۱۲-۱۰). علاوه بر وجود تراحم در اجرای همزمان حقوق و آزادی‌های فردی و منفعت عمومی، بایستی اذعان نمود که حتی ممکن

دارد و دلیل این امر هم محوریت منفعت و افزایش آن در سودمندگرایی می‌باشد. با توجه به مطالب مطروحه و تفسیر ارائه شده از مفهوم حق طبق اندیشه سودمندگرایی در ادامه به تأثیرات این تفسیر بر حقوق بشر، امکان وقوع تراحم در اجرای حق‌ها و راهکارهای رفع آن پرداخته می‌شود.

۵-۲. تأثیر تفسیر سودمندگرا بر حقوق بشر

تأثیرات تفسیر سودمندگرا بر حقوق بشر را می‌توان بدین شرح بیان نمود،

الف، نظر به مصادیق حقوق بشر مورد حمایت نظریه سودمندگرایی؛ حق‌های بشری مورد حمایت این نظریه حق‌هایی هستند که جنبه اجتماعی و کارکردگرایی دارند و به نفع عمومی و مصلحت جمعی توجه می‌کنند، مانند برخی از حقوق بشر نسل دوم و تمامی حقوق بشر نسل سوم؛ البته در این دسته از حقوق بشر معنای قابل قبول از منفعت و مصلحت عمومی، همان منافع مشترک افراد به عنوان اعضای جامعه است که نبود آن اصل و اساس حیات جمعی را به خطر می‌اندازد (راسخ و بیات کمیتکی، ۱۳۹۰، ۱۱۳)، و از این منظر بین مفهوم نفع عمومی مفروض و ملحوظ در حقوق بشر فعلی و نفع عمومی منظور بنتام و پیروان وی تفاوت وجود دارد اما نکته‌ی مهم همان اولویت بخشیدن به منافع عمومی است که در نظر سودمندگرایان و حقوق بشر مورد حمایت آنها از جمله حقوق بشر نسل سوم و برخی حق‌های بشری نسل دوم مطرح است.

ب، طبق نظریه سودمندگرایی، حق نقش گسترده‌تری در حیات بشری دارد و می‌تواند از هرگونه منفعت بشری که از اهمیت کافی برخوردار باشد،

است حقوق فردی پذیرفته شده در نظریات حقوقی نیز با یکدیگر متزاحم باشند. در ادامه به طرح این تزاحم و بیان راهکارهایی جهت رفع آن پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. تزاحم در اجرای همزمان حق‌های بشری و راهکارهای رفع آن

واژه تزاحم در لغت از باب تفاعل و از ماده زحمت است و در اصطلاح فقهی و حقوقی منظور از تزاحم، حالتی است که دو حکم برای یکدیگر مزاحمت ایجاد می‌نمایند، به گونه‌ای که نتوان به هر دو عمل کرد. در واقع با لزوم اجرای همزمان چند حق روبرو هستیم و جمع میان آنها ممکن نیست. در حالت تزاحم بر خلاف تعارض؛ میان مدلول دو دلیل در مرحله تشریح و قانونگذاری تدافع و تمنعی وجود ندارد، فقط در مواردی اجرای هر دو حکم با هم میسر نیست و اجرای یکی مانع اجرای دیگری می‌شود (فضائلی و شاکری، ۱۳۹۹، ۲۵۹) با وجود اینکه حقوق بشر یک کل جدایی ناپذیر هست و نتیجه این جدایی ناپذیری این است که حقوق باید با هم همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند، اما مسئله تزاحم حق‌ها به عنوان یک معضل به این هم زیستی خلل وارد می‌نماید. اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ... به مسئله تزاحم در اجرای همزمان حق‌ها و تحدید آن‌ها پرداخته‌اند.

طبق بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، «هر کس در اجرای حقوق و آزادی‌های خود فقط باید محدودیت‌هایی را که در راستای تضمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران

همچنین برای تأمین مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی آنهم در یک جامعه ی مردم سالار به وسیله قانون وضع شده است، رعایت نماید» و به صراحت بند سوم این ماده شایسته نیست که حقوق و آزادی‌های وضع شده در این اعلامیه برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد به کار گرفته شده و اعمال گردند.

طبق بند سوم ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، «آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود مگر آنچه منحصرأً به موجب قانون پیش بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.»

طبق بند دوم ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، آزادی اجرای شعائر دینی یا اعتقادات فردی تنها در مواردی که توسط قانون مقرر شده و در یک جامعه ی مردم سالار برای حفاظت از امنیت و نظم عمومی، سلامتی یا اخلاقیات یا حمایت از حقوق و آزادی‌های سایر افراد جامعه ضروری هستند، محدودیت‌هایی را در بر می‌گیرند.

طبق اصول بیست و چهارم، بیست و هفتم، بیست و هشتم، یکصد و شصت و پنجم، یکصد و هفتاد و پنجم و چهل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز؛ تأمین حقوق و آزادی‌های دیگران، حفظ نظم، منفعت و مصلحت عمومی، حفظ اخلاق حسنه و حفظ و رعایت مبانی اسلام می‌توانند محدودیت‌هایی را بر حقوق و آزادی‌های بنیادین اعمال نمایند. با توجه به موارد مطروحه، تزاحم در اجرای همزمان حق‌ها ممکن است در یکی از این سه حالت مطرح شود،

۵-۲-۱. تزاخم حق‌های فردی با نظم عمومی و رفاه همگانی و راهکارهای رفع آن

با اینکه برخی از صاحب نظران و اندیشمندان از جمله؛ لازارز و بنجامین گولد حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی و تأمین و حصول منفعت و رفاه همگانی را چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ عملی متضاد یکدیگر نمی‌دانند (بیات کیمیتکی و بالوی، ۱۳۹۴، ۱۲۵، ۱۲۴). لیکن توجه به واقعیت‌ها و شواهد تجربی اثبات‌کننده و آشکار کننده چنین تنشی است و به سادگی می‌توان شرایطی را تصور کرد که حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی با منافع عمومی جامعه در تضاد باشد و بالعکس. به عبارتی؛ غیر ممکن است جامعه‌ای را پیدا کنیم که در آن هیچ زمان برآورده ساختن تمایلات، خواسته‌ها و حقوق فردی با پیشبرد منافع عمومی و جمعی در تزاخم قرار نگیرد. همانطور که مشاهده می‌شود طبق اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ... احتمال تحدید حق‌های فردی توسط نظم عمومی و رفاه همگانی وجود دارد اما برای جلوگیری از تحدید افراطی حق‌های فردی به منظور تأمین رفاه همگانی و نظم عمومی این شرط قید شده است که مقررات تحدیدی حتماً باید در یک جامعه دموکراتیک وضع گردند (قربان‌نیا، ۱۳۸۵، ۲۱). بنابر مطالب فوق، علاوه بر اینکه امکان تزاخم حق‌ها با مفاهیمی چون رفاه همگانی و نظم عمومی پذیرفته شده است، امکان تزاخم حق‌های فردی با یکدیگر و با دغدغه‌های اخلاقی نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.

جهت رفع تزاخم میان حقوق و آزادی‌های فردی (منافع فردی) با منافع عمومی راهکارها و نظریاتی بعضاً به صورت افراطی مطرح می‌شود که در این قسمت به بیان آنها پرداخته و سعی می‌شود که در ورطه‌ی مغالطه‌ای مفهومی و کارکردگرایانه فرو نرویم و نظریه‌ای ارائه شود که به اقتضات و الزامات هر دو مورد توجه نماید، به عبارتی، به جای خصومت میان حق فردی و منفعت عمومی از هم نشینی آنها بحث شود و به گونه‌ای از منفعت عمومی حمایت نماییم که لازم نباشد آن را به حق فردی تقلیل بدهیم و یا آزادی‌های فردی را در پای آن قربانی کنیم. از جمله راهکارهای مطرحه جهت رفع تزاخم پیش گفته می‌توان به موارد زیر اشاره نمود،

الف. حاکمیت منفعت عمومی بر حقوق و آزادی‌های فردی:

نظریات نتیجه‌گرا مانند سودمندگرایی که حق‌ها را وسیله‌ای جهت تأمین اهداف می‌دانند، معتقدند؛ باید حق را مدنظر قرارداد و اولویت بخشید که بیشترین نزدیکی را با هدف مورد نظر (بیشترین سود برای بیشترین افراد) دارد (جونز، ۱۳۹۲، ۲۷۸). لذا به هنگام وقوع تزاخم میان حقوق و آزادی‌های فردی و منافع عمومی راهکار ارائه شده توسط آنان حاکمیت بلامنازع منفعت عمومی بر حقوق و آزادی‌های فردی می‌باشد. علاوه بر سودمندگرایان، قائلین به اندیشه پوزیتیویسم دولتی (طرفداران افزایش قدرت دولت به منظور تأمین منافع عمومی و محدود سازی حق‌ها) از طرفداران این راهکار هستند. فرناندوتسون یکی از نظریه پردازان حقوق بین‌الملل جهت حل تزاخم بین حقوق فردی و منافع عمومی راهکاری را ارائه می‌دهد که در عمل و واقع به ایده حاکمیت منافع عمومی بر

هیچ تضمین و دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم اعطای قدرت بیشتر به دولت لزوماً آن را در جهت تأمین منافع عمومی کارآمد می‌کند؟

ب. حاکمیت حقوق و آزادی‌های فردی بر منافع عمومی: طرفداران اندیشه حقوق طبیعی مدرن با تأکید بر محوریت و تقدم فرد بر جامعه، اولویت رتبه را از آن حق‌ها دانسته و خواسته‌ها و سلائق فردی را محترم می‌دانند، حتی اگر این موضوع منجر به تأمین و پیشینه سازی سود و نفع همگانی و جمعی نگردد (حسینی سورکی، ۱۳۹۰، ۱۱۴-۱۱۳؛ الهی خراسانی و ثناگو، ۱۴۰۱، ۱۰۲). طرفداران این اندیشه معتقدند؛ حقوق را باید مانند برگ‌های برنده یا دلایل حاکمی در نظر گرفت که نمی‌توان به بهانه مصلحت عمومی یا منافع کثیر، آنها را زیر پا گذاشت (Dworkin, 1978, 38). آنها، قضات را مکلف می‌نمایند که هنگام تصمیم‌گیری به حق‌ها نسبت به منافع عمومی، ارزش و اهمیت بیشتری بدهند و حق‌ها را بر منافع جمعی اولویت ببخشند. اما بایستی پذیرفت که حقوق فردی شهروندان را حتی در شرایط متعارف نمی‌توان و نباید بی حد و حصر دانست، چرا که منجر به هرج و مرج می‌گردد که هیچ کس با آن موافق نیست و همانطور که قدرت می‌تواند مورد سوء استفاده قرار بگیرد و از جمله ایرادات وارد بر نظریه حاکمیت منفعت عمومی است، طبق این نظریه نیز آزادی می‌تواند مورد سوء استفاده قرار بگیرد و بهتر است شرایطی فراهم شود که فرد بتواند حقوق خود را هماهنگ با منفعت عمومی پیش ببرد و توسعه دهد نه اینکه یکی را فدای دیگری کند.

ج. ایده تعادل: حد وسط دو نظریه افراطی پیش گفته، راهکار یا ایده تعادل است که بیشتر متأثر از عرف و

حقوق فردی بر می‌گردد. فرناندوتسون منافع عمومی را نوعی حق جمعی یا گروهی می‌داند و معتقد است؛ آنچه زیر عنوان حق جمعی یا گروهی مطرح می‌شود در حقیقت مصداقی از سیاست اجتماعی گروه است که گاهی بر حق یا حقوق فردی غالب می‌شود. تسون معتقد است؛ واژه (حق) در عبارت (حق جمعی) به طور مجاز به کار می‌رود و آنچه حق جمعی نامیده می‌شود، در واقع سیاست‌های اجتماعی گروه است، در تأیید نظریه فوق، جک دانلی معتقد است؛ بسط مفهوم حق تا آنجا که حمایت از منافع جمعی را هم شامل شود، نتیجه ای جز خالی کردن آن از معنا و بی حاصل نمودن کاربرد آن ندارد. نکته ی قابل توجه در راهکار ارائه شده این است که حتی اگر حق‌های جمعی را مثل منافع عمومی حق به معنای واقعی کلمه ندانیم، باز هم طبق این دیدگاه به هنگام تراحم، اولویت به منافع عمومی داده می‌شود نه حق‌های فردی، چرا که بی شک اموری وجود دارند که به کیان هر جمع و گروه به ویژه جامعه ی سیاسی که مهمترین تجلی حیات جمعی است، مربوط می‌شوند و فراهم نبودن آن امور مانند، نظم و امنیت گروهی، اصل وجود زندگی جمعی را به خطر می‌اندازد یا نقص مهمی در آن ایجاد می‌کند، این امور قابل تقلیل به منفعت و مصلحت فردی نیستند و چه بسا منفعت فرد در گرو نقض آنها باشد (راسخ و عامری، ۱۳۹۲، ۱۸۸-۱۸۶). در پاسخ به طرفداران این راهکار می‌توان گفت، اینکه از حقوق و آزادی‌های فردی کاسته شود و قدرت دولتی به نحو فزاینده ای افزایش یابد، آیا ساده لوحانه نیست که تصور کنیم قدرت دولتی افزایش یافته فقط در جهت تأمین منافع عمومی استفاده می‌شود؟ آیا امنیت افراد در برابر دولت با این اقدام کاهش نمی‌یابد؟ به عبارت دیگر؛

حقوق و آزادی فردی توسط حقوق و آزادی دیگران وارد می‌شود (موحد، ۱۳۸۱، ۶۷). به عنوان مثال، امکان تزامم حق آزادی بیان یک فرد با حق بهره‌مندی از حریم شخصی و حیثیتی غیرقابل تعرض دیگری وجود دارد، به عبارتی ممکن است فردی بخواهد با اعمال حق آزادی بیان خود، حق دیگری را نقض نموده و به هتک حیثیت وی بپردازد، یا اینکه ممکن است فردی که توسط جنایتکارانی در تعقیب است، برای فرار از دست آنها و حفظ جان خود وارد ملک خصوصی و حتی حریم خصوصی افراد بدون رضایت آنها بشود که در این مثال، حق برانیت شخصی با حق مالکیت فردی دیگری یا حق بر حریم خصوصی دیگری در تزامم قرار می‌گیرد.

از لحاظ نظری راهکارهای متفاوتی به منظور حل این تزامم مطرح شده است از جمله، برخی از محققین معتقدند؛ می‌توان تزاممات میان حقوق و آزادی‌های فردی را در نموداری رسم نمود که از بسیار ساده شروع و به بسیار پیچیده منتهی می‌شود، این محققین حقوق فردی را به چهار دسته حقوق مطلق، محدود، قابل تعلیق و غیر قابل تعلیق طبقه بندی می‌نمایند و معتقدند به منظور حل این تزاممات ابتدا باید نوع حق‌های متزامم را مشخص نموده و سپس به رفع تزامم بپردازیم (فضائلی و شاکری، ۱۳۹۹، ۲۶۵) بدین صورت که؛ اگر دو حق متزامم با هم، یکی از آنها قابلیت تعلیق یا تحدید را داشته باشد به نحو ساده تری می‌توان به راه حل دست یافت. اما اگر حقی مطلق با حقی مطلق یا غیر قابل تعلیق در تزامم باشد، دست یابی به راه حل پیچیده است و بعضاً باید بر اساس راهکاری دیگر به رفع تزامم پرداخت. از لحاظ نظری، به هنگام تزامم در اجرای

رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر به هنگام حل تزامم می‌باشد و امروزه در بسیاری از کشورها به هنگام تزامم اجرا می‌شود. طرفداران این راهکار از امکان برقراری نوعی توازن و تعادل میان حقوق و آزادی‌های فردی و منافع عمومی از طریق بررسی مورد به مورد تمامی ملاحظات مرتبط سخن می‌گویند. روش حل تزامم ایده تعادل این است که به جای تأکید بر کلیت، قطعیت و عمومیت، توجه خود را معطوف به بررسی مورد به مورد تمامی ملاحظات مرتبط می‌کند، چرا که تعادل و توازن فرآیندی ایستا و ثابت نیست بلکه پویا، متحول و انعطاف پذیر می‌باشد (بیات کمیتکی و بالوی، ۱۳۹۴، ۳۶-۳۵، ۲۵). به عنوان مثال؛ به جای اینکه همیشه بر حاکمیت حق و یا بالعکس بر حاکمیت منفعت عمومی اصرار و تأکید نماید، با بررسی مورد به مورد و منطبق با واقعیات سعی می‌کند حقوق و آزادی‌های فردی را بخاطر منافع کوچک نادیده نگیرد و از طرفی نیز سعی دارد منافع واقعی تمام اعضای جامعه را با ورود کمترین آسیب به حقوق فردی و دارنده آن تأمین نماید، چرا که نظریه افراطی حاکمیت مطلق حق بر منفعت عمومی یا بالعکس حاکمیت مطلق منفعت عمومی بر حق، دیگر جوابگوی تحولات حقوقی، فلسفی و اجتماعی نمی‌باشد.

۵-۲-۱-۲. تزامم حقوق و آزادی‌های فردی با یکدیگر و راهکارهای رفع آن

در خصوص تزامم در اجرای همزمان حق‌های فردی باید گفت که حتی آزادی خواهان نیز پذیرفته‌اند که اعمال مطلق حقوق و آزادی فردی نه امری ممکن است نه مطلوب و ناگزیر باید در نقطه ای متوقف شود. نخستین و بدیهی ترین محدودیت بر قلمرو

حقوقها توسط اخلاقیات می‌باشد. نکته ی قابل توجه این است که پذیرش ماهیت تحدیدی حقوقها نسبت به اخلاق توسط تدوین کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر نشان می‌دهد که آنها از اخلاق، مفهومی گسترده تر از اخلاق حق مدار را مدنظر داشته اند، مفهومی از اخلاق که می‌تواند حقوقها را محدود نماید (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸، ۱۸۱-۱۸۲). با فرض پذیرش تراحم حقوقهای فردی با دغدغه های اخلاقی و نه هنجارهای اخلاقی (مفهومی گسترده تر از اخلاق حق مدار) به نظر می‌رسد از لحاظ نظری بتوان سه رویکرد؛ حاکمیت حقوق و آزادی‌های فردی بر اخلاق عمومی-حاکمیت اخلاق عمومی بر حقوق و آزادی‌های فردی و نظریه تعادل را برای حل این تراحم شناسایی نمود.

۵-۲-۲. تعارض منافع در حقوق و راه‌حل‌های آن

در نظام‌های حقوقی، پدیده «تعارض منافع» یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که می‌تواند مشروعیت، بی‌طرفی و عدالت نهادهای حقوقی را با تردید مواجه سازد. تعارض منافع زمانی رخ می‌دهد که میان منافع شخصی یا نهادی یک تصمیم‌گیرنده و وظایف قانونی یا اخلاقی او تلاقی و تعارض وجود داشته باشد؛ این پدیده می‌تواند به اتخاذ تصمیماتی منجر شود که نه تنها ناقض عدالت فردی‌اند، بلکه آثار ساختاری مخربی بر اعتماد عمومی و حقوق بنیادین افراد برجای می‌گذارند. (Davis, 1982, 17) مصادیق تعارض منافع در نظام‌های حقوقی بسیار گسترده‌اند؛ از جمله قضاوت توسط شخصی که رابطه‌ای شخصی یا مالی با یکی از طرفین دعوی دارد، یا عضویت کشور ناقض حقوق بشر در نهاد ناظر بر آن حقوق.

حقوقهای بشری راه‌حلی واحد و مورد پذیرش همه صاحب‌نظران وجود ندارد. اما به اعتقاد بیشتر حقوقدانان، امکان دستیابی به راهی برای رفع تراحم وجود دارد. با تامل در راه‌حل‌های پیشنهادی به خوبی میتوان دریافت که این راه‌حلها نسبی بوده و مهم‌ترین معیار در رفع تراحمات توجه به اوضاع و احوال هر پرونده است. آنچه مهم است این که نباید هیچ یک از راه‌حلها را پاسخ قطعی و دائمی دانست. در حقیقت میتوان ادعا کرد که راه‌حل‌های مطرح شده مانند قواعد عامی هستند که در هر مصداق باید با کنار هم قراردادن آنها به نتیجه مناسب رسید.

۵-۲-۱-۳. تراحم حقوقها و اخلاق عمومی و راهکارهای رفع آن

اخلاق عمومی یک نظام عمومی غیررسمی است که قابلیت اعمال بر تمام اعضای جامعه را دارد و رفتارهایی از اعضای جامعه را که بر دیگر اعضای جامعه تأثیر گذار است، تحت کنترل و هدایت دارد (ویژه و پویا، ۱۳۹۸، ۱۱) اخلاق عمومی یکی از مواردی است که اجرای همزمان آن با حقوق و آزادی‌های فردی می‌تواند در تراحم قرار بگیرد. که به نظر برخی از محققان در چنین مواقعی باید از تراحم حقوقها با دغدغه‌های اخلاقی صحبت کنیم نه هنجارهای اخلاقی، چرا که هنجارهای اخلاقی در قلمرو حقوقها، در چارچوب و بر مبنای اخلاق حق مدار، تعریف و تبیین می‌گردند و چنانچه اخلاق را خارج از چارچوب حقوقها تعریف و تبیین کنیم، طبیعی است که برخی دغدغه‌های اخلاقی می‌تواند در تراحم با پاره‌ای از حقوقها قرار بگیرد، رأی دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده هندی ساید علیه بریتانیا نیز نشان‌دهنده پذیرش ماهیت تحدیدی

در نهایت، باید گفت نظریه سودمندگرایی، با تمرکز بر نتایج عینی تصمیمات حقوقی و تأثیر آن‌ها بر سعادت جمعی، ابزاری تحلیلی مؤثر برای مقابله با تعارض منافع در حوزه حقوق بشر فراهم می‌سازد. این رویکرد، به‌ویژه در نظام‌های حقوقی بین‌المللی که ساختار قدرت و منافع در آن‌ها پیچیده است، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ مشروعیت و کارآمدی نهادهای حقوق بشری ایفا کند.

۶. نتیجه

سودمندگرایی نظریه‌ای اخلاقی است که معیار درستی و نادرستی رفتار در آن با اصل بیشترین سود برای بیشترین افراد سنجیده می‌شود. رویکرد کل‌نگر این اندیشه به فردگرایی مبتنی بر متافیزیک مجال رشد و توسعه نمی‌دهد و بیش از اینکه نشان‌دهنده تعامل میان متافیزیک و واقعیت باشد، نشان‌دهنده توجه به واقعیت است. توجه به تأثیرات تئوریک و کارکردی این نظریه در ساختار دولت رفاهی نیز این حقیقت را تأیید می‌کند که جستجوی هدف-مفهوم و کارکردی متافیزیکی در نظریه سودمندگرایی دشوار است. به نظر می‌رسد که چالش متافیزیک و واقعیت‌چالشی جدی در این اندیشه است؛ چالشی که نقطه آغاز آن تقابل سودمندگرایی و اندیشه حقوق طبیعی مدرن است. اما باید اذعان نمود که مجموع ارزش‌ها و واقعیت‌ها (هر دو) برای ایجاد نظام حقوقی ضروری است و نظام حقوقی عادلانه و منصفانه محصول تعامل هست‌ها و ارزش‌ها است. نظریه سودمندگرایی با ارائه تحلیلی نوعی از مفهوم حق و اتخاذ رویکردی توزیعی و تجمیعی در رابطه با مفهوم رفاه، تأکید بر حق‌هایی با ماهیت جمع‌گرایانه دارد، مانند برخی از حقوق بشر نسل دوم و حقوق بشر نسل

نظریه سودمندگرایی که ریشه در آراء جرمی بنتام و جان استوارت میل دارد، چارچوبی کارآمد برای تحلیل و حل این مسئله در اختیار می‌گذارد. مطابق این نظریه، کنش درست آن است که بیشترین سود یا خوشبختی را برای بیشترین تعداد از افراد به ارمغان آورد. (Mill, 1863, 14) در حوزه حقوق بشر، سودمندگرایی نه تنها می‌کوشد از بروز رنج و نابرابری جلوگیری کند، بلکه با تأکید بر نتایج نهایی تصمیمات، به ارتقاء کرامت انسانی و عدالت اجتماعی نیز یاری می‌رساند. (Freeman, 2011, 63)

در این چارچوب، تعارض منافع به‌عنوان عاملی شناسایی می‌شود که ممکن است مانع از تحقق حداکثر خیر عمومی گردد. برای نمونه، قاضی‌ای که تحت تأثیر منافع شخصی خود حکم صادر می‌کند، نه تنها عدالت موردی را مخدوش می‌سازد، بلکه به بی‌اعتمادی عمومی نسبت به دستگاه عدالت نیز دامن می‌زند؛ امری که به‌وضوح در تضاد با هدف سودمندگرایی یعنی افزایش خوشبختی جمعی است. (Hare, 1981, 105) راه‌حلی که در پرتو نظریه سودمندگرایی برای مقابله با تعارض منافع پیشنهاد می‌شوند، عبارتند از: اول، افشای کامل و شفاف منافع بالقوه یا بالفعل توسط افراد در معرض تعارض، تا امکان ارزیابی عمومی فراهم گردد؛ دوم، کناره‌گیری افراد ذی‌نفع از فرآیند تصمیم‌گیری به‌منظور صیانت از عدالت ساختاری؛ سوم، ایجاد نهادهای مستقل نظارتی برای پیشگیری، شناسایی و رسیدگی به تعارض‌های منافع؛ و چهارم، تدوین و آموزش مداوم اصول اخلاقی مبتنی بر تحلیل نتایج اجتماعی تصمیمات. (Thompson, 1993, 956).

سوم. از طرفی در حقوق بشر نسل اول و برخی حقوق بشر نسل دوم (متأثر از اندیشه حقوق طبیعی مدرن) تأکید بر حقوق و آزادی‌های فردی می‌باشد. که با دقت در عمق دیدگاه‌های گفته شده، جدال میان فردگرایی و جمع‌گرایی مشهود است.

همچنین علاوه بر وجود تزاخم میان حقوق و آزادی‌های فردی با منفعت عمومی بایستی اذعان نمود که حقوق فردی پذیرفته شده در نظریات حقوقی نیز، ممکن است با یکدیگر متزاخم باشند. نظر به اینکه در موارد تزاخم نمی‌توان از اجرای حق دست کشید، بلکه باید بین حقوق جمع کرد یا حق حاکم را شناسایی نمود. به منظور رفع تزاخم توسط اندیشمندان و صاحب نظران راهکارهای متفاوتی ارائه شده است. در صورت تزاخم بین حقوق و آزادی‌های فردی با منفعت عمومی؛ نظر به ایرادات وارد بر حاکمیت بلامنازع حقوق و آزادی‌های فردی بر منفعت عمومی و بالعکس به جهت برقراری توازن، راهکار یا ایده تعادل مناسب تر به نظر می‌رسد.

طبق راهکار تعادل برای اینکه در اعمال یک حق دخالت نماییم و بتوانیم در راستای اعمال آن و در جهت تأمین منفعت عمومی محدودیت ایجاد کنیم، باید چند نکته اساسی را مدنظر قرارداد، اول؛ هدف و منفعت عمومی ای که قرار است مقدم شمرده شود، باید آنقدر مهم باشد که اجازه نقض یک حق یا آزادی مورد تضمین را بدهد و هیچ راهی برای تأمین منافع عمومی به جز نقض حقوق و آزادی فردی وجود نداشته باشد. دوم؛ نقض حق به عنوان یک استثناء باید کاملاً مضیق تبیین و اجرا شود. سوم؛ شیوه‌های انتخابی باید معقول و کاملاً توجیه پذیر باشند، شیوه‌ها و اقدامات انتخابی باید کمترین آسیب را به دارنده

حق وارد کنند. همچنین اینکه میان اثرات و نتایج حاصل از اقدامات اتخاذ شده و اهمیت هدف موردنظر، تعادل وجود داشته باشد. این راهکار به جای تأکید بر کلیت، قطعیت و عمومیت، توجه خود را معطوف به بررسی مورد به مورد تمامی ملاحظات مرتبط می‌کند و پاسخهایی را که عینی، معطوف به شرایط و منطبق با واقعیات باشند، ارائه می‌دهد. باید پذیرفت که این ایده بیشتر از اینکه به عنوان یک نظریه‌ی مستقل مطرح باشد، به سمت نظریه‌ی حاکمیت منفعت عمومی بر حق (که مورد حمایت سودمندگرایان است) منعطف می‌باشد، چرا که این ایده با هدف محقق نمودن منافع عمومی که منفعت واقعی تمام اعضای جامعه را در بر داشته باشد، موجب تعدیل در حوزه حقوق و آزادی‌های فردی می‌شود.

در خصوص تزاخم در اجرای همزمان حق‌های بشری؛ نظر به ناممکن و نامطلوب بودن اعمال مطلق حقوق و آزادی‌های فردی، از لحاظ نظری راهکارهای متفاوتی ارائه شده است. که پس از مذاقه در راه‌حلهای موجود و توجه به رویه‌های مختلف به این نتیجه می‌رسیم که این راه‌حلها نسبی بوده و از یک مورد به مورد دیگر متفاوت هستند. لذا باید در هر مورد با توجه به اوضاع و احوال آن تصمیم گرفت و اقدام به انتخاب راهکار مناسب نمود. امکان دارد در یک مورد لازم شد از ترکیب چند راهکار استفاده نمود تا به نتیجه مطلوب رسید. همچنین ممکن است بتوان با استفاده از نظریه‌های جدیدی به راهکاری بهتر و متقن تر دست یافت.

اخلاق عمومی نیز یکی از مواردی است که اجرای همزمان آن با حقوق و آزادی‌های فردی می‌تواند در تزاخم قرار بگیرد و به عنوان یک محدودیت مهم و

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

البته مبهم در اعمال حقوق و آزادی‌های فردی مطرح است. اخلاق عمومی به رغم درج در بسیاری از اسناد حقوق بشر، تعریف دقیق و تبیین شفافی از مفهوم آن و شرایط اعمال محدودیت‌های آن بر حقوق فردی صورت نگرفته است. با توجه به راهکارهای مختلف موجود و رویه دادگاه‌های بین‌المللی در این خصوص به نظر می‌رسد که علی‌رغم پذیرش ماهیت تحدید کننده اخلاق عمومی، در راستای رفع این تراحم راهکار واحدی پذیرفته نشده است و باید از طریق بررسی مورد به مورد و با توجه به ملاحظات و اهمیت اخلاق عمومی و حقوق و آزادی فردی مورد تراحم به عبارتی از طریق اعمال راهکار تعادل اقدام به رفع تراحم نمود.

در پایان بایستی اذعان نمود تلاش‌هایی که در نظام قضایی، آموزشی و قانونگذاری در جهت تامین رفاه اجتماعی و ارتقای منزلت نوع بشر صورت می‌گیرند، باید به عنوان منبع لذت و سودمندگرایی شناخته شوند. همچنین افراد فعال و تاثیر گذار در جنبش جهانی حقوق بشر، باید قدردان بنتام باشند. کار وی به عنوان یک فیلسوف، او را به الگویی برای کسانی تبدیل می‌کند که خود را وقف محقق نمودن اموری چون فراهم نمودن فرصت‌های آموزشی برای همگان، نظام‌های حقوقی منصفانه، زندان‌های انسانی و بسیاری از موارد بشردوستانه دیگر نموده‌اند.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

منابع

فارسی

– بیات کمیتکی، مهناز، بالوی، مهدی، «اندیشه
اضطرارگرایی در مصاف با نظریه تعادل»، پژوهش
حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۱۳۹۳، ۴۲

– بیات کمیتکی، مهناز،
بالوی، مهدی، «بازخوانی دکترین مصلحت دولت در
پرتو نظریه تعادل»، پژوهش حقوق عمومی، شماره
۱۳۹۴، ۱۷

– توسلی، منوچهر، شهابی، مهدی
ونیکوئی، مرضیه، «نقش واقعیت در ایجاد قاعده
حقوقی»، نشریه فقه و حقوق اسلامی، شماره
سوم، ۱۳۹۰

– جاویدی، مجتبی، «حق طبیعی یا حق
پوزیتیویستی؛ بازتعریف مفهوم حق در حقوق
اسلامی»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره شانزدهم،
شماره دوم (پیاپی ۴۲)، ۱۳۹۴

– حسینی سورکی، سید محمد، «بررسی و نقد
سودگرایی اخلاقی»، فصلنامه علمی و پژوهشی
دانشگاه قم، شماره سوم، ۱۳۹۰

– راسخ، محمد، بیات کمیتکی، مهناز، «مفهوم
مصلحت عمومی»، مجله تحقیقات حقوقی،
شماره ۵۶، ۱۳۹۰

– راسخ، محمد، عامری، فائزه، «رویکرد نظری به
مفهوم حق نسل سوم»، نشریه پژوهش حقوق
عمومی، شماره ۳۹، ۱۳۹۲

– رحمانی، زهره، «نظریه های مؤید حق؛ نظریه
برابری گرای کانتی»، فصلنامه راهبرد، دوره ۲۰،
شماره ۵۸، ۱۳۹۰

الف- کتاب‌ها:

– جونز، پیتر، «فلسفه حقوق (حق ها)»، ترجمه
مشتاق زرگوش، مجتبی همتی، تهران، نشر میزان،
۱۳۹۲

– چینهنگو، آستین، «مبانی فلسفه حقوق»،
ترجمه هیبت الله نژندی منش، تهران، خرسندی،
چاپ اول، ۱۳۹۴

– قاری سید فاطمی، سید محمد، «حقوق بشر
در جهان معاصر؛ دفتر اول: درآمدی بر مباحث
نظری: مفاهیم- مبانی - قلمرو و منابع»، تهران،
مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش،
چاپ دوم، ۱۳۸۸

– موحد، محمدعلی، «در هوای حق و
عدالت»، تهران، کارنامه، چاپ اول، ۱۳۸۱

– وکس، ریموند، «فلسفه حقوق از حقوق
طبیعی تا پسامدرنیسم»، ترجمه فاطمه آبیاری،
تهران، رخ داد نو، چاپ اول، ۱۳۸۹

ب- مقالات:

– الهی خراسانی، مجتبی، ثناگو، علی، «رفع
تعارض حقوق و منافع در توسعه معابر شهری با نگاه
به قاعده لاضرر»، فصلنامه علمی پژوهشی
جستارهای فقهی و اصولی، شماره پیاپی ۱۴۰۱، ۲۶

– ویژه، محمد رضا، پویا، رضوان، «تعارض حقوق فردی و اخلاق عمومی در پرتو رویه اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۳۹۸، ۶۲

پ- پایان نامه:

– بودش، علیرضا، «مبانی اخلاقی حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر عرفی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰

لاتین

Books:–A

- Bentham, Jeremy, «An Introduction to The Principles of Morals And Legislation», Oxford, at The Clarendon Press, 1879
- Dworkin, Ronald, «Taking Rights Seriously», USA, Harvard University Press, 1978
- Freeman, M. (2011). Human Rights: An Interdisciplinary Approach. Polity Press, 2011
- Hare, R. M. Moral Thinking: Its Levels, Method, and Point. Oxford University Press, 1981.
- Hart, Herbert Lionel Adolphus, « Essay in jurisprudence and philosophy», UK, Oxford University Press, 1983
- Mill, J. S. Utilitarianism. Parker, Son, and Bourn, 1863

– سلیمی نوه، اصغر، «پژوهشی پیرامون مفهوم حق و ابعاد آن در فلسفه سیاسی کانت»، مجله سروش اندیشه، شماره ۱۲ و ۱۳، سال ۸۴ و ۸۳

– شفیع سردهشت، جعفر، «نزاع اراده گرایان و سودگرایان در مفهوم حق»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۶۹، ۱۳۹۳

– شهابی، مهدی، «توجیه و انکار مفهوم حق تأملی بر تضاد یا تعامل واقعیت و ارزش در نظام حقوقی»، مجله نامه مفید، شماره ۸۲، ۱۳۸۹

– شهابی، مهدی، نیکویی، مرضیه، «حقوق متافیزیکی؛ تأملی بر نقش ارزش در فرآیند ایجاد قاعده‌ی حقوقی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره اول، ۱۳۹۱

– طالبی، محمد حسین، طالبی، علی، «انواع حق در دانش فلسفه حق»، فصلنامه علمی – پژوهشی دانشگاه قم، شماره اول (پیاپی ۶۱)، ۱۳۹۳

– فضائی، مصطفی، شاکری، سید مجتبی، «تزام در اجرای حق های بشری؛ چالش ها و راهکارها»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۶۸، ۱۳۹۹

– قربان نیا، ناصر، «قرائت های گوناگون از حقوق طبیعی»، فقه و حقوق، سال اول، ۱۳۸۳

– قربان نیا، ناصر، «تحدید حقوق و آزادی ها»، فقه و حقوق، شماره ۱۰، ۱۳۸۵

– والدرون، جرمی، «فلسفه حق»، ترجمه محمد رضا ظفری، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۱۸، ۱۳۸۱

B- Articles:

- Caille, Alain, «Utilitarianism and Anti-Utilitarianism», Thesis Eleven, Vol 33, 1992
- Callahan, Dan, Singer, peter, «Encyclopedia of Applied Ethics», In: Eggleston Ben, Utilitarianism, Vol 4, Elsevier Science, 2012
- Davis, M. Conflict of Interest. Philosophy & Public Affairs, 12(4), 1982
- Frey, RG, «Utility and Rights», New Black Friars, Vol 67, 1986
- Rosen, Frederick, « Individual Sacrifice and the Greatest Happiness: Bentham on Utility and Rights», Utilitas, Vol 10, 1998
- Thompson, D. F. Understanding financial conflicts of interest. New England Journal of Medicine, 329(8), 1993
- Wenar, Leif, «The Nature of Rights», Philosophy & Public Affairs, Vol 33, 2005

